



پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبر پیشه کنید. بنگرید چگونه دهقان انتظار می‌کشد تا زمین محصول پرارزش خود را به بار آورد؛ چگونه صبر می‌کند تا بارانهای پاییزی و بهاری بر زمین ببارد 8. پس شما نیز صبور باشید و دل قوی دارید، زیرا آمدن خداوند ما نزدیک است 9! برادران، از یکدیگر شکایت نکنید، تا بر شما نیز داوری نشود، زیرا 'داور' بر در ایستاده است. 10 برادران، از پیامبرانی که به نام خداوند سخن می‌گفتند، درس صبر در مصائب را فرا بگیرید . 11 ما بردباران را خجسته می‌خوانیم. شما درباره صبر ایوب شنیده‌اید، و می‌دانید که خداوند سرانجام با او چه کرد، زیرا خداوند به‌غایت مهربان و رحیم است.

تقویم ادونت (یانی تقویم برای بچه ۲۴ روز قبل از کریسمس) باز شده است. و بچه ها به وضوح می‌بینند که کریسمس نزدیک است. شمع های ادونت نیز به کریسمس اشاره می‌کنند. از شمع دوم حتی می‌توان گفت که به وسط ایام کریسمس رسیدیم. تقویم ادونت و تاج گل با ۴ شمع ابراز می‌کنند که ما در حال حاضر منتظر کریسمس هستیم. و این دقیقاً همان موضوع است که نامه یعقوب در مورد آن خطاب می‌کند. او می‌خواهد به ما بگوید که انتظار صبورانه بخشی اساسی از ایمان است. "وقتی کلمه بردباری" را می‌شنویم، بی‌اختیار به یاد کودکانی می‌افتیم که دیگر نمی‌توانند منتظر کریسمس باشند. آنها هیچ حوصله‌ای ندارند. "بابا، مادر .. چند بار باید بخوابم تا فرا رسیدن کریسمس؟" اما به خصوص در این زمان کرونا، صبر نه تنها برای بچه ها، بلکه برای همه ما صدق می‌کند: تا کی باید ماسک بزنیم؟ بالاخره کی واکسن می‌آید؟ چه زمانی می‌توانم سرانجام به مادرم در خانه سالمندان مراجعه کنم؟ عدم صبر بشری است. و صادقانه بگویم، همه ما بی‌صبر می‌شویم و می‌خواهیم به زندگی روزمره خود برگردیم. اگر کسی بگوید: "صبور باشید!" پس همه می‌خواهند بدانند: "چرا؟ و بر چه اساسی باید صبور باشیم؟ یا آیا اطلاعاتی وجود دارد که ما از آن اطلاع نداشته باشیم؟" در حقیقت، اگر مدرکی برای آن نداشته باشید، نمی‌توانید صبر کنید. به همین دلیل تقویم ادونت می‌خواهد به بچه ها نشان دهد که 24 دسامبر نزدیک می‌شود. با بسیاری از مشکلات دیگر در جهان ما، نمی‌توانیم با راحتی اثبات کنیم که مشکلات پاک خواهند شد. اما ما نمی‌توانیم بدون اساس صبور باشیم. به عنوان مثال. یک اتفاق عجیب را در خیابان شلوغ دیدم. پیرمردی در میان ازدحام ایستاده بود و با هر دو دستش چراغ خیابان را در دست گرفته بود. مردم به سمت چپ و راستش رفت و آمد می‌کردند. گاهی اوقات او را هل می‌دادند و یک بار هم جمعیت زیادی که عجله داشتند تقریباً او را دور بردند. اما او محکم ایستاده بود و چراغ خیابان خود را محکم نگه داشته بود. درست مثل اینکه تمام زندگیش به این چراغ بستگی داشته باشد. من این صحنه را تماشا کردم و اصلاً هدف آن پیرمرد را نفهمیدم و درک نکردم چه چیزی از چراغ خیابان انتظار کرد و چرا اینقدر محکم آن را نگه داشت. بود. برخی از رهگذران این مسئله را به نظر خنده دار گرفتند و به او خندیدند. و سپس این اتفاق افتاد. یک خانم مسن از خرید برگشت. در هر دو دست او کیف های خرید و یک عصا بود. او عصا را به پیرمرد داد و وقتی او صدای همسرش را شنید، بلافاصله چراغ خیابان را رها کرد، عصا خود را در یک دست و بازوی همسرش را در دست دیگر گرفت، و هر دو نفر راضی شروع به حرکت کردند. تازه بعد

فهمیدم چه چیزی اتفاق افتاده بود. مرد نابینا بود. همسرش به او گفته بود: «این چراغ را در دست تو محکم بگیر تا من برگردم!» مرد نابینا چیزی را می دانست که همه ی ما نمی دانستیم. او می دانست که می تواند کاملاً به همسرش اعتماد کند. و او می دانست که او برمی گردد. و به همین دلیل است که او محکم زیر چراغ خیابان بماند. بردباری که یعقوب از آن صحبت می کند بسیار شبیه به مثال بالا است. صبر ما مسیحیان فقط یک دستور نیست: "صبور باشید" نه ، صبر ما با عیسی ارتباط دارد. از آنجا که ما به عیسی ایمان داریم و از اینکه می دانیم او دروغ نمی گوید و برمی گردد ، صبر داریم. حتی اگر تجربه ما بر خلاف آن باشد. و حتی وقتی مردم به خاطر کارهایمان به ما می بخندند. این صبر و شکیبایی که از عیسی می گیریم چیزی بیشتر از تحمل زمان است. عهد جدید از کلمه ای برای صبر استفاده می کند که معنای آن بسیار متفاوت نسبت به کلمه مدرن به صبر است. کلمه یونانی صبر "makrothymia" اغلب در دادگاه استفاده می شد. و تنها قاضی می توانست صبر باشد. هنگامی که او شخص را گناه کار تعیین می کرد اما بلافاصله او را می بخشید، او صبر را به کار گرفته بود. صبر احساس ضعف نیست ، بلکه برعکس ابراز قدرت است که تنها برای فرد قدرتمند مناسب است! زیرا در زمان عهد جدید فقط یک انسان قدرتمند می تواند صبور باشد. الگو ه این صبر به روشنی از طریق خود پروردگار ما عیسی بیان می شود. عیسی کاملاً می دانست که راه رسیدن به ما در اینجا روی زمین برای او هیچ فایده ای نخواهد داشت. با این حال او ثروت خود را در بهشت رها کرد و نزد ما آمد تا ثروتش را به ما بدهد. به همین ترتیب ، عیسی می دانست که مردم در اورشلیم او را خواهند کشت. او دقیقاً می دانست که چه مرگ تلخی پیش روی او خواهد بود. و با این حال او این راه را رفت. نگرش قاطعانه این نبود که شر را با شر انتقام گرفت! خودش دشمنانش را بخشید. و اجازه نداد کسی یا هر چیزی حواسش را پرت کند. او همه این کارها را انجام داد زیرا همیشه اراده خدا را دنبال می کرد. او دقیقاً می دانست که چه کاری انجام داده است. و خدا این را می خواست تا ما انسانها از گناه ، مرگ و شیطان نجات داده شویم. این نگرشی که عیسی داشت به بهترین وجه کلمه "صبر" را توضیح می دهد. وقتی یعقوب ما را به صبر تشویق می کند ، منظور دیگری جز این نیست که ما باید مانند عیسی رفتار کنیم. بنابراین ما نباید فقط همه چیز بد را تحمل کنیم ، زیرا چاره دیگری نداریم ... نه ، برعکس او به ما نشان می دهد که ما توسط عیسی نجات در یافت کردیم. ما مبنای زندگی را از عیسی در یافتیم. ایمان به عیسی ما را آزاد می کند! یک هدف حیرت انگیز را پیش روی داریم. عیسی خواهد آمد و ما را بر خواهد داشت. همانگونه مرد نابینا وقتی همسرش به فروشگاه رفت در امان بود ، ما نیز در امان هستیم از آنجا که عیسی دور نیست. و در زمانی که اینجا در زمین به سارمی باریم ، متوجه می شویم که عیسی هدف ماست. اگر شخصی به ما آسیب برساند ، آسیب رساندن به او آسان است. ما می خواهیم از دیگری انتقام بگیریم. پروردگار ما عیسی به ما نشان می دهد که تنها خدا می تواند انتقام بگیرد. لازم نیست که قضاوت کنیم. همه چیزی باید به خدا تحویل کنیم. صبور بودن آسان نیست. یعقوب همچنین پیامبران و ایوب عهد عتیق را به ما نشان داد. این مردان توسط همه مردان آسیب دیدند. اما آنها صبور ماندند. صبر بسیار نزدیک به ایمان است. یعقوب برای توضیح این موضوع یک مثال کشاورزی به ما می دهد: کشاورزان در زمان کتاب مقدس می دانستند که کاشت و برداشت به باران بستگی دارد. آنها می دانستند که قبل از آمدن اولین باران ، کاشتن مفهوم ندارد. و چون آنها می دانستند که باران همیشه در زمان خاصی از سال می آید ، منتظر می ماندند. به این ترتیب ما نیز منتظر خدا هستیم. همانطور که در 24 در تقویم ادونت قطعی است ، خداوند نیز دارای تقویم دارد. زمانی فرا می رسد که او ما را بر خواهد داشت. و با اعتماد به این خدا ما در اینجا و اکنون زندگی می کنیم و صبر داریم. ایمان و صبر هر دو انسانی نیستند ؛ بلکه خداوند آنها را به ما عطا داده کرده است. در طول زندگی باید یاد بگیریم چگونه این کار را انجام دهیم. زندگی ما مانند یک ساخت و ساز خیابان است ، جایی که شما مرتباً علانی را در کنار جاده می ببینید: « ساخت و ساز صبر داشته باشید!» فقط در انتهای ساخت و ساز آمده است: « ساخت و ساز تمام شد. از صبر شما متشکریم!» در واقع ، این جمله آخر باید روی همه سنگ قبرهای ما باشد. " ساخت و ساز تمام شد! ما از صبر شما متشکریم!" زیرا در این صورت شما نیازی به صبر و حوصله بیشتر ندارید. آنگاه خداوند را چشم به چشم خواهیم دید. و سپس هر آنچه اکنون در دناک و غم انگیز است به خوشبختی و لذت تبدیل می شود. خدا این تاریخ را در تقویم ادونت خودش دارد. آمین